



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

اخلاق؛ ردائیل اخلاق؛ دروغ، غیبت و بهتان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: رضا راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۵

در چه مواقعی دروغ گفتن جایز است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

«دروغ» بر خبری اطلاق می‌شود که با واقع مطابقت ندارد و با این وصف، «دروغ گفتن» به معنای دادن چنین خبری است، خواه دهنده‌ی آن به مخالفت آن با واقع علم داشته باشد و خواه از روی جهل مرکب، آن را مطابق با واقع پنداشته باشد و در هر دو صورت، قباحت آن فطری و بدیهی است؛ چنانکه خداوند درباره‌ی اولی فرموده است: ﴿وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۱؛ «و بر خداوند دروغ می‌بندند در حالی که علم دارند» و درباره‌ی دومی فرموده است: ﴿مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾^۲؛ «نه آنان و نه پدرانشان را به آن علمی نیست، سخن گزافی است که از دهان‌هایشان بیرون می‌آید، آنان جز دروغ نمی‌گویند»، بلکه آن را از فرط قباحتش در ردیف بت‌پرستی قرار داده و فرموده است: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾^۳؛ «از آرایش بت‌ها اجتناب کنید و از گفتار دروغ اجتناب کنید».

با این حال، «دروغ گفتن» از آن حیث که دادن خبری مخالف با واقع است، هنگامی حرمت تکلیفی دارد که در آن علم به مخالفت با واقع وجود داشته باشد؛ زیرا هنگامی که در آن علم به مخالفت با واقع وجود ندارد، اجتناب از آن با عنوان «دروغ گفتن» ممکن نیست و از این رو، نهی از آن با این عنوان لغو شمرده می‌شود، هر چند اجتناب از مقدمات آن که اسباب جهل مرکب هستند، امکان دارد و تبعاً نهی از آن‌ها با عنوان موانع شناخت صحیح است و با این وصف،

۱. آل عمران / ۷۵

۲. الکهف / ۵

۳. الحج / ۳۰

«دروغگو» در حقیقت بر کسی اطلاق می‌شود که گزاره‌ای خبری را با علم به مخالفت آن با واقع اظهار می‌دارد تا به زعم خود نفعی را حاصل کند یا از ضرری محفوظ ماند، ولی کسی که چنین گزاره‌ای را بدون علم به مخالفت آن با واقع اظهار می‌دارد، در حقیقت «دروغگو» شمرده نمی‌شود، بلکه در گمراهی دوری شمرده می‌شود؛ چراکه به زعم خود راست می‌گوید، هر چند به سبب کوتاهی‌اش در تحصیل مقدمات علم، گناه کار و شایسته‌ی عقوبت است. از اینجا دانسته می‌شود که دروغ را تنها دروغگویان نمی‌گویند، بل کسانی که بنای بر راستگویی دارند نیز می‌گویند و چه بسا دروغ‌های اینان به مراتب بزرگ‌تر و خطرناک‌تر است، مانند دروغ‌های برخی فقیهان و محدثان که اُمت را سرگردان ساخته است و دروغ‌های برخی مقلدان که با تقلید کورکورانه از آنان گفته می‌شود. بنابراین، حرمت «دروغ گفتن» از یک سو به معنای وجوب اجتناب از دادن خبری بر خلاف واقع با علم به مخالفت آن با واقع است و از سوی دیگر به معنای وجوب اجتناب از جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی است که سبب دادن چنین خبری بدون علم به مخالفت آن با واقع می‌شود.

آری، «دروغ گفتن» به معنای دادن چنین خبری با علم به مخالفت آن با واقع، اگرچه در حالت اولیّه حرام است، در حالت ثانویه می‌تواند جایز باشد و آن حالتی است که مصلحت «دروغ گفتن» در میزان شرع، از مفسده‌ی آن به مراتب بیشتر است و آن چهار صورت دارد: تقیّه، جنگ، صلح و نصیحت؛ به این ترتیب که دادن خبری مطابق با واقع، هرگاه مقتضی قتل مسلمانی به غیر حق یا فتنه‌ای بزرگ‌تر از آن باشد، جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهٖ اِلَّا مِنْ اُكْرَهٗ وَقَلْبُهٗ مُطْمَئِنٌّ بِالْاِيْمَانِ وَلٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللّٰهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾**^۱؛ «هر کس پس از ایمانش به خداوند کفر ورزد، مگر کسی که اکراه شود در حالی که دلش به ایمان مطمئن است، ولی کسی که آغوش خود را به روی کفر بگشاید، خشمی از خداوند بر آنان است و برایشان عذابی عظیم است» و دادن خبری مطابق با واقع در زمان جنگ، هرگاه مقتضی رعب و وحشت مسلمانان یا امنیّت و جرأت دشمنان اسلام باشد، جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾**^۲؛ «و هنگامی که خبری از امنیّت یا خطر به آنان می‌رسد آن را منتشر می‌سازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر یا متولیان امر از خودشان ارجاع می‌دادند، کسانی از آنان که آن را ارزیابی می‌کنند، آن را می‌شناختند و اگر فضل خداوند بر شما و رحمت او نبود جز اندکی از شیطان پیروی می‌کردید» و دادن خبری مطابق با واقع، هرگاه مقتضی بروز یا استمرار نزاع میان دو نفر یا

۱. النحل / ۱۰۶

۲. النساء / ۸۳

دو گروه از مسلمانان باشد، جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾**^۱؛ «از خداوند بترسید و بین یکدیگر را اصلاح کنید» و فرموده است: **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾**^۲؛ «جز این نیست که مؤمنان برادران یکدیگرند، پس میان دو برادرتان را اصلاح کنید و از خداوند بترسید، باشد که آمرزیده شوید» و فرموده است: **﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾**^۳؛ «هیچ خیری در بسیاری از رازگویی‌هاشان نیست، مگر کسی که به صدقه یا نیکی یا اصلاحی میان مردم امر کند و هر کس این کار را در پی خشنودی خداوند انجام دهد به زودی او را پاداشی عظیم خواهیم داد» و دادن خبری مخالف با واقع، هرگاه از روی خیرخواهی و مثلاً برای تنبّه غافلان و هدایت گمراهان باشد، جایز است؛ چنانکه خداوند درباره‌ی یوسف علیه السلام فرموده است: **﴿فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْتُهَا الْعِيزُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾**^۴؛ «پس چون بارهای آن‌ها را بست، جام را در خرجین برادرش نهاد، سپس ندا دهنده ندا داد: ای کاروان! هرآینه شما دزد هستید»، در حالی که آن‌ها دزد نبودند و یوسف علیه السلام از روی خیرخواهی و برای تنبّه آن‌ها چنین گفت و درباره‌ی ابراهیم علیه السلام فرموده است: **﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ﴾**^۵؛ «گفت بلکه بزرگشان این کار را کرده است، از خودشان بپرسید اگر سخن می‌گویند»، در حالی که بت بزرگ بت‌های دیگر را نشکسته بود و ابراهیم علیه السلام از روی خیرخواهی و برای هدایت گمراهان چنین گفت.

از اینجا دانسته می‌شود که دادن خبری مخالف با واقع در این چهار صورت جایز است، ولی مشروط به اینکه سکوت یا توریه به جای آن کافی نباشد؛ چراکه اگر سکوت یا توریه به جای آن کافی باشد، نوبت به آن نمی‌رسد. همچنانکه جواز آن در این صورت‌های چهارگانه، نباید به دست‌آویزی برای حاکمان ظالم و ایادی آنان تبدیل شود تا با انگیزه‌هایی مانند حفظ نظام خود، هر دروغی را به مردم تحویل دهند و هر راستی را از آنان بیپوشانند؛ چراکه هدف از حکم مذکور، سهولتی برای نیکوکاران در راستای دفاع از حقوق مظلومان و جلب مصالح مستضعفان و هدایت گمراهان به سوی خداوند است، نه سهولتی برای جبّاران در راستای حفظ حکومت آنان و تضییع حقوق مظلومان و گمراه کردن مردم؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَيْسَ لِلظَّالِمِ قَصْرٌ صَلَاةٌ وَلَا إِفْطَارٌ صَوْمٌ وَلَا اضْطِرَارٌ فِي

۱. الأنفال / ۱

۲. الحجرات / ۱۰

۳. النساء / ۱۱۴

۴. یوسف / ۷۰

۵. الأنبياء / ۶۳



مَحْمَصَةٌ وَلَا كِذْبٌ فِي مَصْلَحَةٍ وَلَا تَقِيَّةٌ فِي خِيَفَةٍ^۱؛ «شنیدم منصور می فرماید: برای ظالم نه شکستن نمازی و نه خوردن روزه‌ای (در سفر) و نه اضطراری در مخمصه و نه دروغی در مصلحت و نه تقیّه‌ای در بیم است».

چراکه همه‌ی این احکام از روی رحمت خداوند وضع شده‌اند و ظالمان مستحقّ رحمت خداوند نیستند؛ چنانکه فرموده است: ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^۲؛ «آگاه باشید که لعنت خداوند بر ظالمان است».



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. گفتار ۱۲۲، فقره‌ی ۴

۲. هود/ ۱۸

www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر بایگاه

صفحه اینستاگرام بایگاه

صفحه تلگرام بایگاه

صفحه فیس‌بوک بایگاه

آدرس: مجلس خبرگان